

نگاهی به آخرین جلسه رسیدگی به پرونده اتوبوس خبرنگاران؛

### چشم‌انتظاری برای دادخواهی دو خبرنگار

بیش از دو سال و نیم است که همه شاکیان پرونده اتوبوس خبرنگاران سعی دارند خود را قانع کنند که تأخیر در دادرسی این پرونده روال عادی دادرسی است. پرونده‌ای که دو کشته دارد.

صفحه ۱۰

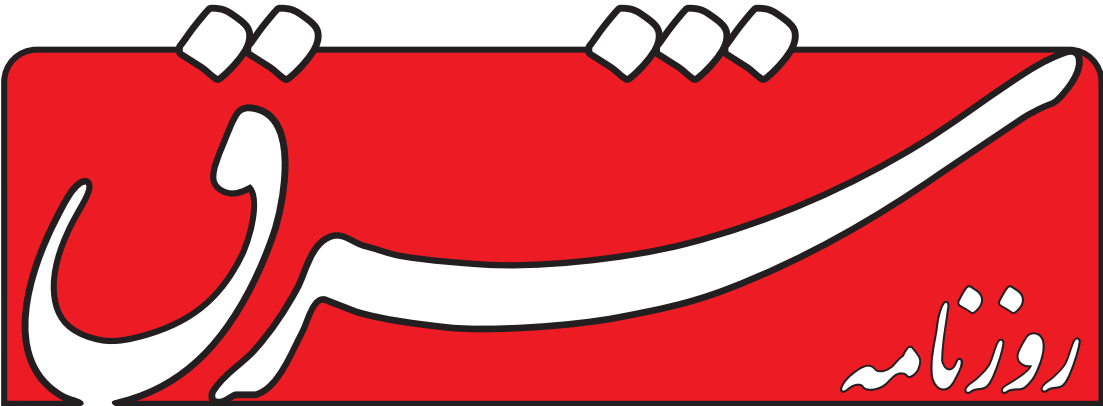
### سرمقاله

### خودآئباتی اصلاح‌طلبان



احمد غلامی

گویا این سرنوشت محتوم بشر است که باید خود را اثبات کند. این «خودآئباتی» گاه در برابر طبیعت قاهر چهره عیان می‌کند و گاه در برابر رمز و راز هستی. آدمی با خودآئباتی خویش می‌خواهد بفهماند موجودی ناتوان و فرودست نیست. بی‌شک آدمی همواره در وضعیت خودآئباتی است و تا زمانی که بر این کره خاکی می‌زید، چاره‌ای جز این ندارد که برای صیانت از قدرت خود در برابر هرچه حقیرش می‌شمارد، قد علم کند. در اینکه زمانی بشر در برابر طبیعت قاهر و رمز و راز هستی تن به شکست می‌دهد، تردیدی وجود ندارد، اما او همیشه در بازیافت و بازساخت خویشتن خود است، و این بازسازی خویشتن خود بیش از هر جایی در سیاست معنا پیدا می‌کند. شاید از همین رو است که انسان را «وجود سیاسی» نام‌گذاری کرده‌اند؛ چراکه فقط در عرصه سیاست است که تضاد، تخصص، منازعه، شکست و پیروزی جنبه عینی و عملی می‌یابد و در پیروزی در منازعات سیاسی است که چهره‌های سیاسی و به تبع آن مردم، از بودن و مقاومت‌شان در برابر کسانی که عرصه زندگی و سیاست را برایشان تنگ کرده‌اند، احساس پیروزی می‌کنند، همچون ایستادن در برابر خشم طبیعت، مواجهه اخیر دو طیف اصلاح‌طلبان با سیاست را باید از این منظر ارزیابی کرد. اثبات خود در برابر مخالفان سیاسی و شاید تیره خود در چشم مردم؛ مردمی که زمانی به آنان دل‌پسته بودند و با سخنان آنان دست به انتخاب‌های سیاسی می‌زدند. این تجربه زیسته سیاسی اصلاح‌طلبان در شرایط کنونی آنان را واداشته تا درصد خودآئباتی باشند. طیفی از آنان امتناع سیاسی را برگزیده‌اند و می‌خواهند با امتناع از سیاست‌ورزی با به معنای دقیق‌تر مواجهه سلبی با نهادهای رسمی، انتخابات را به رویه‌های دموکراتیک بازگردانند و مهم‌تر از همه، وجهه و شخصیت سیاسی مخدوش‌شده‌شان را نزد مردم بازسازی کنند. این طیف از اصلاح‌طلبان بر این باورند که تاکنون همه راه‌های دست‌یابی به آرمان‌های دموکراتیک را پیموده‌اند، اما به مقصد و مقصود نرسیده‌اند و دیگر زمان آن فرا رسیده تا راهی دیگر انتخاب کنند؛ راهی نااهموار با آینده‌ای نامعلوم. این دسته از اصلاح‌طلبان که از آنان به‌عنوان چهره‌های رادیکال نام می‌برند، باور دارند باید بیش از این، این راه را برمی‌گزینند و تاکنون نیز تعلل کرده‌اند. از این منظر، حرف آنان چندان بیراه نیست، دست بر قضا انتقادی که به آنان می‌شود همین است که چرا این‌قدر دیر به این تصمیم روی آورده‌اند. این تصمیم را میانگین سنی این طیف از اصلاح‌طلبان که همه در آستانه پازنشستگی‌اند، مخدوش کرده و این شائبه را به وجود آورده است که آنان درصدند دست به یک بازی دو سر برد بزنند. برای همین است که همچون جریان ملی و مذهبی‌ها نگران حذف از سیاست داخلی ایران نیستند. به قولی آنها آرد را بیخته و الک‌ها را آویخته‌اند. از این‌رو برای آنان، همین که خود را نزد مردم به اثبات برسانند و نشان دهند در کنارشان هستند، کافی است. نکته‌ای که می‌توان در آن تردیدی جدی کرد؛ زیرا آن مردمی که اصلاح‌طلبان رادیکال با خودآئباتی‌شان می‌خواهند آنان را مخاطب قرار بدهند، جلوتر از آنان ایستاده‌اند و موضع تندی دارند، گیرم این طیف از اصلاح‌طلبان موضعی رادیکال‌تر از این هم اتخاذ کنند. در این وضعیت بعید نیست رفتار آنان در نظر مردم و اذهان عمومی، سیاست ریاکارانه به نظر برسد و این پرسش را به وجود بیاورد که چرا این‌قدر دیرنکام دست به این کار زده‌اند. اصلاح‌طلبان رادیکال با این پرسش‌های مهم مواجه هستند و آنچه بیش از هر چیز از اثرگذاری تصمیم آنان می‌کاهد، حدود ۱۶ سال در قدرت بودن است. تصمیم آنان بیش از آنکه سیاسی باشد، نوعی هویت‌سازی برای آینده به نظر می‌رسد. خودآئباتی طیف دیگر اصلاح‌طلبان که در برابر این بخش از اصلاح‌طلبان قرار دارند، برایشان حیاتی‌تر است. آنان دست به تصمیمی پرهزینه زده‌اند و درصدند با شرکت در انتخابات، اقتدارشان را از طریق مسارت خود در مواجهه با بی‌شمار انتقاداتی که به آنان می‌شود به اثبات برسانند. آنان با این تصمیم سوار بر قایقی فرسوده دل به دریای توفانی زده‌اند. آنان خودآئباتی را مترادف با سیاست‌ورزی در شرایط موجود می‌دانند و به‌خوبی آگاه هستند که اگر قایق‌شان در این دریای ملامطم سیاسی واژگون شود، تنها‌ته کسی با آنان همدلی نخواهد کرد، بلکه آنان را مستحق این مجازات خواهد دانست. به این معنا، این اصلاح‌طلبان تصمیم رادیکال‌تری از اصلاح‌طلبان رادیکال گرفته‌اند؛ چراکه برای این طیف امید به پیروزی در آینده نزدیک وجود ندارد و شاید همین عدم رسیدن به قله پیروزی است که تصمیم‌شان را مهم جلوه می‌دهد. این طیف از اصلاح‌طلبان در شرایط امتناع سیاسی، خواسته یا ناخواسته احیای سیاست را برگزیده‌اند. شاید این تصمیم هویت‌ساز آنان باشد. باید اعتراف کرد زمینه و زمانه است که این به انتخاب‌های سیاسی وجهه رادیکال و محافظه‌کارانه می‌دهد. اگر تصمیم هر دو جناح اصلاح‌طلب را هویت‌طلبانه و منفعت‌طلبانه بدانیم، در یک چیز نمی‌توان شک کرد و آن اینکه معنای رادیکالیسم در میان این طیف جابه‌جا شده است. از این منظر، انتخاب چهره‌های رادیکال اصلاح‌طلب، انتخابی محافظه‌کارانه و نوعی قرار رو به جلو است؛ فراری که مردم در آن مشارکت ندارند. طیف اصلاح‌طلبان محافظه‌کار با برگزیدن راه دشوار در انتخابات، تصمیم رادیکال‌تری گرفته است؛ چراکه آنان از این به بعد، هم به اصلاح‌طلبان دیگر پاسخ‌گو هستند و هم به مردمی که تمایل به شرکت در انتخابات ندارند. البته زمان زیادی طول نخواهد کشید تا همه چیز آشکار شود. بدیهی است آنچه ما را به خودآئباتی می‌رساند تصمیمات ماست؛ چیزی که هر دو طیف اصلاح‌طلب با دو شیوه متفاوت آن را برگزیده‌اند.



شنبه ۲۸ بهمن ۱۴۰۲ • ۷ شعبان ۱۴۴۵ • ۱۷ فوریه ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۷۴ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** «شرق» از حواشی جدید درباره محمدباقر قالیباف در آستانه انتخابات گزارش می‌دهد | آلودگی هوا و فقر افراد را می‌کشد | پارادوکس روابط علمی بین‌الملل / حمید نظری

گزارشی از انسداد مرز ایران با افغانستان در قالب یک طرح ملی و واکنش‌هایی که در مقابل آن صورت گرفت

# حق دفاع مرزی

گزارش تیر یک را در صفحه ۲ بخوانید



یادداشتی از کمال اطهاری

## بسته نجات یا جبهه مسدودی اقتصاد؟

فوتبال توسعه‌گرای قلعه‌نویی وافت عجیب دروازه‌بان پرسپولیس

## بلایی که تیم ملی سر بیرانوند آورد

گزارش «شرق» از اسیدپاشی جوانی ایرانی به صورت مادری افغانستانی در گلشهر

## شروع مرگی هرروزه

گفت‌وگو با محمد مهدی عسکریور درباره تصمیمات جدید در حوزه شبکه نمایش خانگی

## تنها چیزی که نادیده گرفته می‌شود نهاد صنفی است

«شرق» تأثیر واردات خودرو بر کاهش ناترازی سوخت را بررسی می‌کند

## بنزین خواری یا بی‌برنامگی؟

کمانه‌زنی نسبت به ناتوانی رئیس جمهوری آمریکا در اداره دولت فدرال

### بایدن زیر ذره‌بین



عکس: Gettyimages

### یادداشت

## حالا اصلاح‌طلبان چه خواهند کرد؟



مهرداد احمدی شیخانی

من تاکنون چندین بار با علم به شکست، طرفی ایستاده‌ام که جایگاه بازندگان بوده و حتی بر این ایستادن پای فشرده‌ام و پاششم را با توهین و تهمت و تمسخر دریافت کرده‌ام. در این دفاعتی که سوسی بازنده را گرفته‌ام، چند بارش را به صورت فردی و دو بارش را در کنار یک جمع سعی کرده‌ام درباره آنچه در پیش‌روی‌مان قرار دارد، هشدار بدهم که البته در همه این موارد هشدارهایم گوش شنوایی نیافته است. اولین نوبت آن، به انتخابات دومین دوره شورای شهر برمی‌گردد. آن انتخابات شاید آزادترین انتخابات همه تاریخ ایران پس از مشروطیت باشد و البته با آنکه بسیار عبرت‌آموز است، همه کسانی که به دنبال انتخابات آزاد در کشورمان هستند، کمترین درسی از آن نگرفته‌اند و هنوز هم تا امروز چشم بر آنچه آن انتخابات قصد آموزش به ما داشت، بسته‌ایم. خوب یادم هست که در آن انتخابات تقریباً به طور مطلق همه گروه‌ها و احزاب فعال داخل کشور، کاندیدا داشتند و همان چیزی که امروز، دلیل اصلی دعوت‌کنندگان به شرکت‌نگردن در انتخابات است، محقق شده بود؛ یعنی آزادی تقریباً صددرصدی انتخابات؛ اما آنچه رخ داد، مثلاً در همین شهر تهران چه بود؟ قهر ۹۰درصدی مردم با صندوق رای و حاصل اینکه مخالفان سرخست اصلاحات و توسعه سیاسی، به طور کامل شورای شهر تهران را مال خود کردند؛ به گونه‌ای که حتی بعضی از راه‌یافتگان به شورا، در شهری مثل تهران که در آن ایام حدود چهار میلیون واجد شرایط رای دادن داشت، تنها با حدود صد هزار رای وارد شورای شهر شدند و پیامدش شهرداری‌شدن «توهم معجزه هزاره سوم» بود؛ اما این قهر با صندوق که کجا آمد و چرا ۹۰ درصد مردم به آزادترین انتخابات تاریخ ایران پشت کردند؟ من همان موقع در دو یادداشت یکی پیش از انتخابات و یکی پس از انتخابات دلایل آن را نوشتم. اولی به ماجراهای داخلی شورای شهر اول برمی‌گشت. آنجا که همه اعضا، اصلاح‌طلب بودند و به جای تلاش برای بهبود وضعیت شهر تهران، شورای شهر را به محل دعوای بین خود تبدیل کرده بودند و جامعه را از کرده خود پشیمان، به‌ویژه آنکه رئیس آن شورا، همان ابتدا برای رفتن به مجلس شورای اسلامی دوره ششم، شورای شهر را رها کرد و این خود نشان داد که با همه اهمیتی که شورای شهر داشت، گویا مدعیان توسعه سیاسی چندان اهمیتی برای آن قائل نبودند؛ اما دومین دلیل تلاشی بود که نخبران در بالابردن انتظارات جامعه از تحولات بعد از دوم خرداد و ۷۶ و مجلس شورای ششم ایجاد کردند و در این راه آن‌قدر پیش رفتند که در شهری مثل تهران، این اعتقاد در اذهان شکل گرفت که صندوق رای بی‌فایده است و از طرفی، معتقدان به توسعه سیاسی، اولین شرط توسعه سیاسی؛ یعنی اتحاد را فراموش کردند و هر گروه با فهرستی جداگانه وارد انتخابات شدند و شد، آنچه شد. اما گفتم که درس نگرفتیم و بعد استعفای دسته‌جمعی مجلس ششم و سپس ماجراهای مجلس هفتم پیش آمد و سیاست‌ورزان ما، اولین گام را در قهر با انتخابات، بعد از شورای شهر دوم برداشتند و این‌گونه شد که مجلس هفتم شد نقطه مقابل مجلس ششم و بعد هم تکرار ماجراهای شورای شهر دوم در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴. در هر سه این انتخابات به اندازه توان خود درباره آنچه پیش‌رو بود هشدار دادم؛ اما از آنجایی که در قد و قواره‌ای نبودم که کسی به حرفم گوش دهد، هشدارهایم نیز ناشنیده ماند. خوب به یاد دارم که وقتی بحث معرفی کاندیدا برای انتخابات ریاست‌جمهوری پیش آمد، دو جا نظرم را به صراحت گفتم؛ یک بار در یک جلسه فرعی حزب مشارکت و یک بار در گفت‌وگو با دوست گران‌قدم جناب دکتر جواد کاشی. در هر دو بار بر این تأکید کردم که اولاً آنچه را در انتخابات شورای شهر دوم رخ داد، فراموش نکنیم و تنها با یک کاندیدا در انتخابات شرکت کنیم، ثانیاً روی اسب بازنده شرط نندیم و ثالثاً حمله دانشجویان در دانشگاه تهران به آقای خاتمی نشانه آن است که نخبران و تحصیل‌کردگان ما اصلاً متوجه نیستند که به کدام آسیاب آب می‌ریزیم و دست‌کم سیاستون ما باید تلاش کنند که نخبران را از خطر پیش‌رو آگاه کنند؛ اما به جای آن، بعضی از سیاست‌ورزان ما که در همان ایام از زندان آزاد شده بودند، با برافراشتن پرچم تحریم انتخابات، سبب ریزش در طرفداران توسعه سیاسی شدند و تا امروز هم حاضر نیستند به خطای استراتژیک خود اعتراف کنند.

ادامه در صفحه ۱۰

محمد جواد ظریف، وزیر سابق امور خارجه در کنگره حزب مردم‌سالاری؛

### مادرک درستی از شرایط دنیا و قدرت نداریم

شرق: وزیر امور خارجه پیشین بیان ضمن اینکه ما هنوز توقع رابطه قطبی در جهان داریم تا با چسبیدن به یک قطب از حمایت او استفاده کنیم، تصریح کرد: ما درک درستی از شرایط دنیا نداریم. «محمد جواد ظریف»، وزیر سابق امور خارجه، در کنگره حزب مردم‌سالاری که در مجتمع آدینه برگزار شد...

صفحه ۳



شششنبه ۱۶۶۵۷۱۵ م الف ۴۴۷۳